

پروین بهرامیان*

از شناخت «که» در فارسی تا ساخت معادلهای آن در زبان فرانسه

چکیده

شمار قابل توجهی از دانشجویان ایرانی، در زمینه ساختن جملات مرگب فرانسه با استفاده از معادلهای حرف ربط «که»، با دشواریهای بسیاری مواجه می‌باشند. نگارنده، ضمن مطالعه و ارزیابی نتایج تمرینهایی که بر اساس روش سنتی «تک‌ساختی» و نیز روش نوین «سمعی و بصری» انجام می‌شود، بر آن است تا راه سوّمی بیابد که مبتنی بر روش «مقایسه دو جانبه» است.

* * * * *

بی‌شک، در هیچ یک از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، کلیه دانشجویان یک دوره خاص، در سطح علمی یکسان قرار ندارند. درجات متفاوت و گاه فاحش توانمندیهای علمی دانشجویان، غیرقابل انکار و در عین حال نامطلوب است. البته پیشرفت و اُفت تحصیلی متأثر از عوامل متعدّد اجتماعی، اقتصادی (عدم اطمینان به آینده شغلی، فعالیت در مراکز اداری، نداشتن فرصت کافی برای مطالعه و تمرین دروس، نبود امکانات آموزشی لازم و یا محدودیت بر خورداری از تجهیزات آزمایشگاهی...)، فرهنگی (کمرنگ بودن فرهنگ مطالعه...) و وضعیت روحی فرد (انگیزه، هدف از انتخاب رشته تحصیلی، دانش و اطلاعات پایه در زمینه رشته تحصیلی، احراز شناخت نسبت به کاربرد و حدود مباحث مطرح شده در طی دوره تحصیل، علاقه به رشته تحصیلی، امیدواری به آینده و...) می‌باشد.

اختلاف سطح علمی، صرف نظر از عوامل آن، در میان دانشجویان رشته‌هایی همچون زبانهای خارجی و هنر (گرافیک، عکاسی، نقاشی، صنایع دستی، موسیقی، نمایش...) در مدت تحصیل در دانشگاه، بیش از سایر رشته‌ها، نمود عینی می‌یابد. زیرا در این قبیل رشته‌ها، میزان مهارت دانشجویان با بررسی گفتار، نوشتار و ترجمه وی در کلاس و آزمایشگاه و زبان و در حین گفتگو و سؤال و جواب در هر جلسه آموزشی و یا با مشاهده آثار مصنوع قابل رؤیت و محسوس وی در کارگاههای هنری، به روشنی معلوم می‌گردد. حال آن که در بسیاری از رشته‌های تحصیلی، تفاوت‌های علمی و میزان دانش دانشجویان، پس از فراغت از تحصیل و ضمن فعالیت در کارخانه‌ها، مؤسسات، ادارات و نهادهای پژوهشی، خدماتی و یا تولیدی آشکار می‌شود.

در زمینه فراگیری و آموزش زبان فرانسه، انتظار می‌رود عمده‌ترین دشواریهای مربوط به فهم و ساخت جملات فرانسه توسط زبان آموزان ایرانی، ناشی از مذکر و مؤنث بودن اسامی و قواعد دستوری برخاسته از جنس اسم باشد. مانند تطابق صفت با جنس و عدد موصوف، تطابق اسم مفعول (*participe passé*) با جنس و عدد فاعل، آن گاه که فعل کمکی *être* وجود داشته باشد و یا تطابق اسم مفعول فعل اصلی با جنس و عدد مفعول صریح، آن گاه که فعل کمکی *avoir* می‌باشد و مفعول صریح قبل از فعل قرار گرفته است. کاربرد ضمائر ملکی (*pronoms possessifs*) و ضمائر اشاره (*pronoms démonstratifs*) نیز همین گونه است. در ارتباط با این مباحث، در گفتگوها و جملات مکتوب دانشجویان نیمسال‌های آغازین دوره کارشناسی، به اغلاط بسیاری برمی‌خوریم. اما تجربه چندساله نگارنده به او ثابت کرده است که این اشتباهات، با اندکی توجه و ممارست زبان آموز به آسانی رفع می‌شود، زیرا قواعدی منظم و منطقی، چگونگی گزینش صفات و ضمائر و رابطه آنها را با دیگر اجزای جمله تعریف کرده است. فراگرفتن این قواعد و به کار بستن آنها مستلزم برخورداری از نبوغ و استعداد خارق‌العاده نیست! بلکه، اگر عوامل دیگر در اُفت تحصیلی دانشجوی دخیل نباشد، او می‌تواند به مدد تمرین و تکرار، نارسایی ساختاری مربوط به جنس اسم را در جملات خود برطرف کند.

آن چه نگارنده را به نوشتن این مقاله برانگیخته است، وجود مانعی صعب‌العبورتر از «جنس اسم» در ساخت جملات فرانسه است. مانع دشواری که هنگام ادغام چند جمله ساده و یا تفسیر گونه‌هایی از جملات مرکب و تولید آنها، ظاهر می‌شود و چه بسا تا نیمسال پایانی دوره کارشناسی، برخی دانشجویان را با مشکلاتی مواجه سازد. بر خلاف مبحث «جنس اسم» که مختص زبان

فرانسه و برخی دیگر از زبانهاست و برای فارسی‌زبانان تازگی دارد، آن مانع سخت که در درک گونه‌هایی از جملات مرکب فرانسه مشکل آفرین است، در زبان فارسی نیز در جملات مرکب حضور دارد این سد ترساننده، حرف ربط «که» ی فارسی است که هنگام ترجمه، گفتگو و نگارش متن به فرانسه، برحسب نقشی که بر عهده دارد به صورت حرف اضافه *de* و حرف ربط و ترکیبات متفاوتی چون *qui, que, où, dont, le quel, laquelle, d'où*، *chez qui, à qui, pour qui, à quoi, pour que* می‌شود.

به طوری که در کتاب «دستور زبان فارسی» تألیف شادروان استاد عبدالرسول ختّام‌پور آمده است، «که» در زبان فارسی به عنوان حرف ربط ساده، یازده معنی و کاربرد دارد و به عنوان حرف ربط تأویلی بر چهار قسم است: تأویل به مصدر اصلی (دارای شش حالت)، تأویل به مصدر بدلی (دارای شش حالت)، تأویل به صفت اصلی (دارای سه حالت) و تأویل به صفت بدلی (دارای هشت حالت)^۱. فارسی‌زبانان، هنگام گفتگو یا نگارش متن، بدون تأمل و کنکاش در خصوص نقشهای متعدّد «که»، آن را به وفور و به راحتی در جملات خود به کار می‌برند. زیرا از دوران کودکی، تمامی نقشها و کاربردهای این حرف ربط را تنها با همان یک واژه («که») بیان کرده‌اند. غالباً، دقت و موشکافی در تشخیص کاربرد و نقش دستوری «که» در جملات فارسی، هنگام یادگیری یک زبان خارجی مانند فرانسه، یا انگلیسی مطرح می‌شود. چرا که برای درک بهتر زبان بیگانه، معمولاً ساختار آن را با ساختار زبان مادری خود مقایسه می‌کنیم. به قول گوته (*Goethe*) «آن که زبان بیگانه نمی‌داند، زبان مادری خود را نیز به درستی نمی‌داند!»^۲ و به عقیده ویگوتسکی (*Vygotsky*) زبان‌شناس، پیشرفت در یادگیری زبان بیگانه، مشروط به رسیدن به میزان معینی از رسایی

در زبان مادری است... یادگیری زبان بیگانه، تسلط بر صور عالی زبان مادری را آسان تر می‌کند.^۳ بسیاری از زبان‌شناسان و روان‌شناسان بر رابطه متقابل زبان مادری و زبان دوم و تأثیرپذیری هر یک از دیگری تأکید داشته و دارند. در واقع "فراگیری زبان دوم بر پایه زبان اول صورت می‌گیرد... برای بسیاری از مردم، زبان دوم از طریق زبان اول کسب می‌شود."^۴

تقریباً هر سال، روشهای متنوع و جدید آموزش زبان فرانسه در کشور فرانسه و گاه در کشورهای بلژیک و کانادا به طبع می‌رسد. هر روش متکی بر استفاده از آزمایشگاه سمعی و بصری و نوارهای فیلم ویدئویی و حداقل معترف یک کتاب راهنمای استاد، یک یا دو کتاب متن و تمرین ویژه زبان آموز، یک یا چند نوار کاست ضبط صوت و احتمالاً یک یا چند حلقه فیلم ویدئویی است. طی چند سال اخیر، دیسکها و دیسکهای CD حاوی برنامه‌های نرم‌افزاری خاص رایانه‌های شخصی، روانه بازار مواد آموزشی زبان خارجی شده و توجه روزافزون مشتاقان یادگیری زبان بیگانه را به خود جلب کرده است. هم اینک در مراکز مجهز زبان‌آموزی کانادا و برخی از کشورهای توسعه یافته صنعتی، به منظور تقویت و تصحیح تلفظ واژگان ادا شده توسط زبان‌آموزان، از دستگاه آوانگار استفاده می‌شود. این دستگاه برای نخستین بار، در آغاز جنگ دوم جهانی به همت آزمایشگاههای تلفن بل (Bell) تکمیل گردیده^۵ و سپس مراکز تحقیقاتی دیگر، قابلیت آن را افزایش دادند.

قدیمی ترین روشها و منابع تدریس زبان فرانسه در ایران عبارت است از: «زبان فرانسه با روش مستقیم» (*Le Français par la méthode directe*) و همچنین «مژده آبی» (*Mauget bleu*) که هر دو روش مبتنی بر آموزش به صورت تک‌ساختی یا

تک‌جمله‌ای (*monostructural*) است^۶. یعنی تدریس جمله به جمله و ارائه تمرینهای ساختاری در پایان هر درس. نخستین روش سمعی و بصری آموزش زبان فرانسه موسوم به «صدا و سیمای فرانسه» (*Voix et images de France*) در سال ۱۹۶۱ زیر نظر پل گوبرینا (*Paul Gubernia*) تهیه و تدوین شد. روش اخیر، تا چند سال پیش در چند دانشگاه ایران، از جمله دانشگاههای الزهرا و شهید بهشتی در تهران، به عنوان منبع آموزش «زبان فرانسه مقدماتی» به کار می‌رفت. شیوه‌های سمعی و بصری، زبان را به صورت یکپارچه می‌نگرد و آموزش آن را با درک گفتار در صحنه (که به صورت تصاویری در کتاب، فیلم ویدئو، فیلم ثابت قابل استفاده با نورتاب و یا تصاویر مقوایی مخصوص چسباندن روی تخته ماهوتی... است) آغاز می‌کند. تلاش می‌شود از طریق تمرینهای گفت و شنودی و هدایت آنها، فرصت مشارکت و خلاقیت به زبان‌آموزان داده شود. در اکثر روشهای سمعی و بصری از جمله "De vive voix"، که برای آموزش به دانشجویان مبتدی در آزمایشگاه دانشگاه تبریز به عنوان منبع به کار می‌رود، زبان مطرح شده، زبان فرانسه گفتاری رایج میان اهل پاریس است و در آنها، آموزش زبان گفتاری بر آموزش نظام زبان نوشتاری فرانسه تقدم دارد. لذا حتی هنگامی که از روشهای جدیدتر، همچون "Archipel"، "Libre Echange"، "Nouveau Sans Frontière"، "Mosaïque" و... استفاده می‌شود، فراگیری زبان نوشتاری به مرحله پس از یادگیری زبان گفتاری موکول می‌گردد.

همواره بین طرفداران روش تک‌ساختی و حامیان روش سمعی و بصری، اختلاف نظر وجود داشته است، دیرزمانی است که کفه ترازوی مبارزه به نفع روش سمعی و بصری سنگین شده است. اما تجربه تدریس قواعد مربوط به

«که» در زبان فرانسه و مشاهده دشواریها و سردرگمی‌های دانشجویان، به ویژه در این مورد خاص، حکایت از این واقعیت دارد که آموزش زبان هنوز در مواردی، متکی به روش تک‌ساختی و نیز روش مقایسه‌ای است. نگارنده این سطور، که طی سالهای اخیر، تدریس به دانشجویان مبتدی (درس فرانسه مقدماتی) و دانشجویان نیمسال دوم (درس فرانسه اختصاصی یک) و نیز دانشجویان نیمسال سوم (درس فرانسه اختصاصی دو) را بر عهده داشته است، اقدام به آزمایشی نمود تا تأثیر دو روش «تک‌ساختی» و «سمعی و بصری» و سپس روش «مقایسه» را به گونه‌ای عملی ارزیابی کند:

در درس فرانسه مقدماتی که در قالب ده واحد در آزمایشگاه و هشت واحد در کلاس ارائه می‌گردد، با بهره‌گیری از روش سمعی و بصری، دستور پایه فرانسه به تدریج مطرح و آموزش داده می‌شود. مبحث «که» در این نیمسال، تنها در جملات نقل قول غیر مستقیم نمود می‌یابد. مانند:

Il dit que sa mère ne va pas à Lyon.

(او می‌گوید که مادرش به لیون نمی‌رود.)

در جمله فوق، حرف ربط "que" بی‌هیچ ابهام و مشکلی درون جمله مرکب جای می‌گیرد و شاید به دلیل مشابهت آوایی آن با «که»ی فارسی و یا مفهوم بودن جمله، سؤال دانشجویان را بر نمی‌انگیزد، به طوری که آنان به سهولت الگوسازی کرده و با کمترین خطا، جملات خبری (اعم از مثبت و منفی) را در بطن نقل قول قرار می‌دهند:

Je dis que le tableau est noir.

Ils disent que Michel ne veut pas de café.

حتی "que"ی استفهامی را به خوبی درک می‌کنند:

Que fait Pierre? (پی بر چه می‌کند؟)

Que voulez-vous? (چه می‌خواهید؟)

دانشجویان در درک و ساخت جملات مرکبی که به مدد حروف ربط «زیرا» (*parce que, car*)، «وقتی که» (*quand*)، «بلکه» (*même*)، «اما» (*mais*)، «اگر» (*si*)، «تا» و «برای آنکه» (*pour que*) ایجاد می‌شوند، با مشکل حادّ و قابل توجهی مواجه نیستند و پرسش و پاسخ و نگارش ساده‌ای که انجام می‌دهند، گواه این ادعاست. اما با آغاز دومین نیمسال تحصیلی و روبروشدن با جملات مرکب دیگری که حروف ربط متعدّد و معادل «که»ی فارسی ربط‌دهنده آنهاست، متحیر و سردرگم می‌مانند، به گونه‌ای که علی‌رغم تمامی توضیحات، تمرینها و توصیه‌ها، حتی آموخته‌های قبلی آنان نیز دستخوش خلل می‌گردد!

یکی از معادلهای «که»ی فارسی، حرف ربط "*qui*" می‌باشد که حاوی نقش فاعلی است. در روش سمعی و بصری، دانشجویان به محض برخورد با "*qui*"، مفهوم آن را به خوبی درمی‌یابند، چرا که به نیکی، از نقش فاعلی اسم یا ضمیری که قبل از "*qui*" قرار دارد آگاهی دارند:

C'est Michel qui téléphone à Jean.

C'est elle qui cherche mon cahier.

این قبیل جملات، غالباً درون یک گفتگو یا یک متن گنجانده شده است. در واقع، با شناخت ارتباط آدمهای قصه یا گفتگو و ماجرای مطرح‌شده، درک جملات مرکب حاوی "*qui*" برای دانشجویان میسر می‌شود. اما این درک، لحظه‌ای است و نمی‌تواند زبان‌آموزان را در پاسخ به پرسش‌هایی این چنین

یاری دهد:

Connais-tu l'étudiant qui vient de sortir?

(آیا دانشجویی را که اینک بیرون رفت، می‌شناسی؟)

Où est mon sac qui est noir?

(کیف من که میشکی است، کجاست؟)

این سؤالات به دنبال درسی که جملات مرکب مشابه در آن مطرح شده است، پرسیده می‌شود. اینجاست که آشکار می‌شود درک جملات مرکب قبلی به دلیل احاطه بر موضوع آنها بوده است، نه به واسطه آگاهی از ساخت دستوری آنها. وقتی به روش «تکرار نمونه‌ها» و یا «تک‌ساختی» به دانشجویان تفهیم می‌شود که ضمیر موصولی "qui" حاوی نقش فاعلی است و سپس ساخت جملات مرکب فرانسه تمرین می‌شود، اغلب دانشجویان از عهده خلق جملات مشابه برمی‌آیند. مثال:

Le tableau est noir. Le tableau est à côté de la porte.

در هر دو جمله ساده فوق، کلمه تابلو تکرار شده و دارای نقش فاعلی یا مسندالیه است. پس از حذف یکی از آن دو، به کمک "qui"، جمله مرکب ساخته می‌شود. بدین ترتیب می‌توان به دو طریق جمله مرکب را بیان کرد:

1. *Le tableau qui est noir, est à côté de la porte.*

2. *Le tableau qui est à côté de la porte, est noir.*

از ۲۵ دانشجوی حاضر در کلاس، ۱۹ نفر به خوبی از عهده ترکیب دو جمله زیر برآمدند:

Mon frère habite à Nice. (برادرم در نیس اقامت دارد.)

Il Partira demain. (او فردا عزیمت خواهد کرد.)

آنان به این صورت دو جمله را ترکیب کردند:

Mon frère qui partira demain, habite à Nice.

(برادرم که فردا عزیمت خواهد کرد، در نیس زندگی می‌کند.)

و تعدادی چنین نوشتند:

Mon frère qu'il partira demain, habite à Nice.

زیرا به خطا، ضمیر فاعلی "il" را از جمله مرکب حذف نکرده بودند.

در زمینه ادغام دو جمله ساده به شکل فوق‌الذکر، روش گفتگو، یعنی ارائه مکرر جملات نمونه به طور شفاهی به منظور تفهیم قاعده ادغام و استفاده از *qui*، تقریباً به اندازه روش «نوشتن جملات بر تابلو و مشخص کردن واژه‌های تکرار شده در دو جمله ساده و سپس حذف یکی از واژه‌های تکراری»، ثمربخش است. به استثنای دانشجویان اندک‌شماری که به دلایل خاص (مانند مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و روحی) مایل به دنبال کردن جریان آموزش نیستند، دیگر افراد حاضر که با علاقه در تمرین و تکرار در ساختن جملات ترکیبی شرکت می‌جویند، مهارت نسبی ادغام دو جمله ساده را با استفاده از نقش فاعلی *qui* کسب می‌کنند. توانایی دانشجویانی که در اثر تکرار و تمرین بسیار و همراهی با حرکت گروه، قاعده دستوری را از مجموعه تمرینات استخراج کرده و تمیز می‌دهند، در دراز مدت، بیشتر از دانشجویانی است که به گونه سنتی، ابتدا توضیح دستوری آن قاعده را می‌شنوند و سپس یکی دو نمونه تمرین در آن زمینه انجام می‌دهند. یعنی روش «استقراء» کارآمدتر از روش «استدلال» می‌نماید. به همین ترتیب، برای آشنایی

زبان آموزان با کاربردهای حروف ربط یا ضمائر موصولی دیگر در زبان فرانسه (که در فارسی «که» ترجمه می‌شود)، تمرینات مشابه در مورد *Où* (جایگزین قید زمان و قید مکان)، *que* (جایگزین حالت مفعول صریح)، *quoi* (جایگزین اسم اشیاء، عوامل مبهم و یا یک جمله کامل در حالت مفعول با واسطه)، *dont* (جایگزین حالت مضاف‌الیه، مُتمم فعل با حرف اضافه *de* و نیز صفت ملکی)، *lequel* و *laquelle* و ترکیبات آنها *auquel* *duquel* و غیره ارائه و انجام می‌شود. برای مثال، در مورد *Où*، تمریناتی همچون نمونه زیر انجام می‌گیرد:

1. *Vous êtes dans cette maison.*

(شما در این خانه هستید.)

2. *Il y a des arbres dans cette maison.*

(در این خانه تعدادی درخت وجود دارد.)

ادغام دو جمله بالا، پس از تکرار تمرینهای شفاهی و یا نوشتن جملات روی تابلو، به سهولت انجام می‌گیرد:

A. *Vous êtes dans cette maison où il y a des arbres.*

B. *Il y a des arbres dans cette maison où vous êtes.*

جمله‌های A و B صورت ترکیبی جملات 1 و 2 می‌باشند. اکثر دانشجویان به ساخت A تمایل نشان می‌دهند. در هر صورت، ساختمان دستوری جملات A و B کامل است و تفاوت از حیث تأکید بر روی عنصری از جمله می‌باشد.

به جرأت می‌توان گفت که در میان حروف ربط و ضمائر موصولی در فرانسه، درک کاربرد و نقش "*dont*" از همه مشکل‌آفرین‌تر است. برای مثال، در مورد دو جمله ذیل، حتی پس از تمرینهای بسیار و ارائه جملات مشابه، همچنان یک سوّم دانشجویان یا به کندی پاسخ می‌گویند یا پاسخ‌های غلط خود

را تصحیح می‌کنند و یا در تردید می‌مانند:

1. Appelez la petite fille! (دخترک را صدا بزنید!)

2. Le sac de la petite fille vient trouvé.

(کیف دخترک پیدا شده است.)

در این قبیل موارد، چون یکی از جمله‌ها امری است، دانشجویان می‌دانند که برای ساختن جمله مرکب، لازم است جمله امری را جمله پایه (*principale*) و جمله دیگر را پیرو (*subordonnée*) تلقی کنند. لذا، جمله مرکب را بدین صورت آغاز می‌کنند:

Appelez la petite fille...

و در ادامه، تردید آنان رخ می‌نماید و جمله زیرین بر زبان تعدادی از آنان جاری می‌شود:

Appelez la petite fille que son sac vient d'être trouvé.

این جمله نادرست، تصویر دقیق جمله ترکیب شده فارسی است که از ذهن دانشجو گذشته است:

«دخترکی را که کیفش پیدا شده، صدا بزنید!»

ترکیب «که کیفش» در برگردان به فرانسه به "*que son sac*" تبدیل شده است. این قبیل جمله‌های ناصحیح، نشانگر این واقعیت است که زبان آموز متوجه نقش مضاف‌الیه "*la petite fille*" در جمله دوم شده است و می‌داند که این همان عنصری است که باید حذف گردد تا جمله مرکب ساخته شود. اما احاطه ساختار فارسی همان مفهوم بر ذهن او، مانع از به کارگیری *dont* و ارائه جمله صحیح

می‌باشد:

Appelez la petite fille dont le sac vient d'être trouvé.

در واقع ترکیب "que son sac" هنگامی درست خواهد بود که فعلی جمله امری، فعلی چون «اطلاع دادن» و «گفتن»... باشد:

Dites à la petite fille que son sac vient d'être trouvé.

(به دخترک بگویید که کیفش پیدا شده است.)

اما جمله اخیر، نقل قول است و مفهومی به مراتب متفاوت از مفهوم جمله مورد نظر را داراست.

در هفته سیزدهم نیمسال دوم تحصیلی (در درس شش واحدی "فرانسه اختصاصی یک")، پس از آنکه جملات مرکب فرانسه (حاوی حرف ربط) آموزش داده شد، آزمونی به عمل آمد که طی آن، بدون اطلاع قبلی، جملات مرکب فارسی که حاوی حرف ربط «که» بودند به دانشجویان داده شد تا به فرانسه برگردانند. جملات مذکور نمایانگر نقش‌هایی متفاوت از «که» بود:

۱- لباسی که خریده بودی، صورتی است.

(Le vêtement que tu avais acheté, est rose.)

بیشتر نفر پاسخ صحیح دادند، دو نفر به غلط به جای "que" از "qui" استفاده کردند و هفت نفر نیز جمله مرکب فارسی را به دو جمله ساده فرانسه تجزیه کرده بودند.

۲- فردا به دیدن دوستی خواهم رفت که کتابهای بسیاری دارد.

(Demain, j'irai voir un ami qui possède beaucoup de livres.)

هفده نفر پاسخ درست دادند و از "qui" استفاده کردند، حال آنکه دوازده نفر دیگر به طرزی نادرست ترجمه نمودند. در مورد جمله‌های زیر، نتیجه چندان راضی‌کننده نبود:

۳- مردی را که در باغ قدم می‌زند، نمی‌شناسم.

(*Je ne connais pas l'homme qui marche dans le jardin.*)

۴- اتاقی را اجاره کرد که دیوارهایش آبی رنگ است.

(*Il loua la chambre dont les murs sont bleus.*)

۵- روزی که او آمد، بیمار بودم.

(*Le jour où il est venu, j'étais malade.*)

۶- گفته بود که به همه عکسها نگاه کنم.

(*Elle m'a dit de regarder toutes les photos.*)

۷- کتابی را که یافته‌ایم، از آن کیست؟

(*A qui est le livre que nous avons trouvé?*)

تعداد پاسخ‌های درست به مراتب کمتر از پاسخ‌های نادرست بود.

در هفته چهاردهم، مبحث ضمیر موصولی و حرف ربط (معادل «که» فارسی) بار دیگر بر اساس ساختار جملات مرکب فرانسه، ولی با تغییر در نوع تمرینات شفاهی و کتبی تکرار و تفسیر شد:

۱- جمله مرکب فرانسه ارائه گردید. سپس در مورد عناصر تشکیل دهنده آن سؤالاتی طرح شد تا نقش دستوری و ساختاری هر عنصر مشخص شود. سؤالاتی

همچون

- *Qui?* (چه کسی؟)
- *Où?* (کجا؟)
- *Quand?* (چه وقت؟)
- *Pourquoi?* (چرا؟)
- *A qui est ...?* (مال چه کسی؟)
- *C'est le sac de qui?* (این کیف چه کسی است؟)
- *Quoi?* (چه چیز؟)

تا حدی درک مفهوم جملات مرکب را تسهیل ساخت.

۲- جملات مرکب فرانسه حتی المقدور به جملات ساده تجزیه شد. مثال:

*L'homme dont le chien aboyait, regardait
l'enfant qui pleurait.*

A: l'enfant pleurait.

B: l'homme regardait l'enfant.

C: le chien de l'homme aboyait.

کلمه *enfant* در جمله *A* فاعل است و در جمله *B*، مفعول صریح. کلمه *homme* در جمله *B* فاعل و در جمله *C*، مضاف‌الیه است. این گونه تجزیه جملات، تأثیر و کارآیی تمرین قبلی (۱) را ندارد و تا حدودی خسته کننده می نماید. اگر چه یکی از توصیه‌های جین اچسون (*J. Aitchison*)، کاربرد استراتژی تجزیه جمله به جمله ناهاست.^۸

۳- ارائه جملات مرکب فرانسه و گذاشتن نقطه چین (...) در محل ضمیر موصولی:

*Je ne connais pas ce vieillard ... a voulu vous voir
et ... la carte est restée chez moi.*

این تمرین، از دو تمرین قبلی به مراتب نافع تر بوده است. چرا که کافی است پاسخ این سؤال روشن شود: اسمی که قبل از نقطه چین قرار دارد، در ارتباط با فعلی که پس از نقطه چین آمده است، چه نقشی ایفا می‌کند؟ پاسخ این سؤال، تعیین‌کننده ضمیر موصولی مناسب است. برای مثال، *vieillard* در ارتباط با فعل *vouloir voir* عهده‌دار نقش فاعلی است. در نتیجه، پس از آن، ضمیر موصولی *qui* در جمله قرار می‌گیرد. همچنین *la carte* فاعلی فعل *rester* می‌باشد، اما در عین حال مضاف است و از سوی بلافاصله در کنار فعل نشسته است، لاجرم مضافی است که مضاف‌الیه آن حذف شده است. مضاف‌الیه حذف شده در *dont* مستتر است.

۴- جمله‌ای پایه را مطرح می‌کنیم و پس از انتخاب ضمیر موصولی، از دانشجویان می‌خواهیم تا جملهٔ پیرو را بنویسند و جملهٔ مرکب را کامل سازند.

1. *Nous voyons des fleurs qui ...*

2. *Ce sera un jour où ...*

رفته رفته، انتخاب ضمیر موصولی را نیز بر عهدهٔ دانشجویان می‌گذاریم:

3. *Vois-tu cet étudiant...?*

4. *Je cherche une ville...*

5. *Elle aime ses parents...*

در این میان، اگر چه ممکن است شاهد خطاهایی همچون تداخل ساختار جملات مجهول و معلوم باشیم، چرا که به قول برخی زبان‌شناسان عادت بر این است که افراد تمایل شدیدی به خرج می‌دهند که اولین اسم در جملات (ولو

جمله مجهول) را به عنوان عامل و دومین اسم را به عنوان معمول تفسیر کنند.^۹ اما باید اذعان داشت که این تمرین، بیش از انواع دیگر، ما را از وضعیت دقیق آموخته‌های زبان‌آموزان و میزان خلاقیت آنان مطلع می‌کند.

۵- پیشنهاد ساختن یک جمله مرکب با استفاده از ضمیر موصولی خاص. مثال:

الف - جمله‌ای با *qui* ...:

ب - جمله‌ای با *dont* ...:

ج - جمله‌ای با *où* ...:

در این تمرین، باید مراقب بود تا زبان‌آموز جملاتی را که قبلاً در متون دیده یا در نواری شنیده است، ارائه ندهد، زیرا ارزیابی مهارت جمله‌سازی مخدوش خواهد شد. معمولاً دانشجویان، این جملات آزاد و انتخابی را آسان‌تر و سریع‌تر ارائه می‌دهند، اما واقعیت این است که ساختن یک جمله مرکب دلخواه نمایانگر مهارت همه جانبه فرد نیست.

در پایان هفته چهاردهم، هشت جمله مرکب فارسی به دانشجویان عرضه شد تا ظرف ۲۵ دقیقه به فرانسه برگردانند. در مجموع، نتیجه ارزشیابی مهارت زبان‌آموزان، کمی بهتر و امیدوارکننده‌تر از آزمون قبلی بود.

تمرینهایی که تا حال به آنها اشاره شده است، در مورد جملات مرکب فرانسه و با هدف درک و تفسیر روابط عناصر آن انجام گرفته است. واضح است که زبان و قواعد آن همواره به مثابه ابزاری جهت انتقال اندیشه و مفاهیم مورد نظر گوینده یا نویسنده به کار گرفته می‌شود. لذا توانایی در ادغام دو جمله ساده فرانسه، نشان‌دهنده برآورده شدن تمامی نیازهای زبانی نمی‌باشد. به ویژه در زبان فرانسه گفتاری و ترجمه متون فارسی به فرانسه، آن چه در ذهن دانشجو یا در نوشته مقابل دیدگان او متجلی است، مفهومی است که به صورت یک جمله

مرکب متبادر می‌شود. تجزیه جمله مرکب به دو جمله ساده نیز، به منظور درک روابط اجزای آن و کشف عنصر حذف شده در ابتدا مفید به نظر می‌رسد، اما وقت و انرژی بسیاری را هدر می‌دهد. چگونه می‌توان به مهارت برگرداندن یک جمله مرکب فرانسه به یک جمله مرکب فارسی یا بالعکس دست یافت؟ اگر، به طوری که در اکثر دوره‌های مقدماتی آموزش زبان فرانسه در کشور متدوال است (اعم از آن که روش آموزش، «تک‌ساختی» باشد یا «سمعی و بصری»)، هم خود را صرف کشف روابط میان عناصر جمله مرکب فرانسه سازیم و تمرینها را در جهت اشراف دانشجویان به چگونگی این روابط طراحی و هدایت کنیم، تنها شناختی یک سویه به آنان ارائه داده‌ایم؛ شناختی شاید ناملموس از حالات مختلف اسم در جمله فرانسه. چرا که، در اثر تکرار این قبیل تمرینهای جمله‌سازی در فرانسه (که تاکنون به آنها اشاره شده است و مورد تأکید روشهای آموزش زبان فرانسه مانند "Mosaïque"، "Nouveau Sans Frontière" و امثالهم می‌باشد)، این باور در ذهن زبان‌آموز فارسی زبان ایجاد می‌شود که "حالات خاص اسامی که انتخاب و گزینش حروف ربط خاصی را ایجاد می‌کند، تنها در ساختار جمله مرکب فرانسه وجود دارد". حال آن که این حالات خاص را در جمله مرکب فارسی نیز می‌توان یافت. به کاربردن یکی از دو روش «تک‌ساختی» و «سمعی و بصری» و یا هر دو آنها، علی‌رغم آن که توضیح ساختار جملات مرکب فرانسه را آسان می‌سازد، در عمل، کارآیی و توانمندی لازم را جهت ساختن جملات مرکب فراهم نمی‌آورد. روشهای مذکور، هر یک به نوعی، جمله فرانسه را مورد بررسی و آموزش قرار می‌دهد. این در حالی است که دانشجویان مبتدی، به طور طبیعی، ابتدا ساختار فارسی جملات مرکب را تنظیم می‌کنند سپس می‌کوشند آن ساختار را به فرانسه برگردانند. برای عبور

موقیقت‌آمیز از این مرحله، شناخت یک سویه (تنها در یکی از دو زبان) به کار نمی‌آید. لذا، به منظور نیل به شناختِ حالات اسم در جملات مرکب فارسی (حاوی حرف ربط «که»)، در هفته پانزدهم، مجدداً تمرین جمله‌سازی در برنامه تدریس گنجانده شد. اما این بار، نقش‌های متعدّد و متفاوت حرف ربط «که» در ساختار جملات مرکب فارسی مورد بررسی و تفسیر قرار گرفت و با تحریک کنجکاوی و طرح سؤال، توجه دانشجویان رشته زبان فرانسه، شاید برای اولین بار، به طور جدی و به طرز نوین به حرف ربط «که»ی فارسی معطوف شد که صدها بار در طول روز آن را به کار برده و می‌برند. بدین ترتیب گفته و اظهار نظر گوته به اثبات رسید: «آن که زبان بیگانه نمی‌داند، زبان مادری خود را نیز به درستی نمی‌داند» با بحث و اظهار نظر در مورد حرف ربط «که»ی به کار رفته در جملات و عبارات ذیل، معلوم شد که ویژگیها و نقشهای متعددی که به ضمائر موصولی مختلف فرانسه نسبت داده می‌شود، در خصوص «که»ی فارسی نیز صدق می‌کند. مثال:

«شب، گلپر ماه را در آسمان دید که بزرگ بود و طلایی... ماه که بچه‌ها را دوست می‌داشت و به خاطر آنها در آسمان نشسته بود، پایین آمد. آن قدر پایین آمد که گلپر دستش را دراز کرد و تکه‌ای از آن را برداشت.»^{۱۰}

متن فوق برگرفته از یک داستان ویژه کودکان است و نمونه‌ای است از جملات مرکب که کودکان نیز به راحتی به کار می‌برند و مفهومش را درک می‌کنند. سه بار حرف ربط «که» در متن تکرار شده است. این سؤال مطرح می‌شود: «فعلی که بلافاصله پس از حرف «که» قرار دارد چیست؟» در جمله اول متن فوق، فعل مورد نظر «بزرگ بودن» است که فاعل یا مسندالیه آن، «ماه»

می‌باشد. بر اساس آموخته‌های قبلی در خصوص ساختار جملات فرانسه، حرف ربط «که» در این جمله، در جملهٔ فرانسه به "qui" تبدیل می‌شود. در جملهٔ دوم، فعلی که بلافاصله پس از «که» آمده است، "دوست داشتن" و فاعلی آن "ماه" است. لذا، در این جمله نیز، حرف «که» به دلیل برعهده داشتن نقش فاعلی، به "qui" ترجمه می‌شود. در جملهٔ سوم، حرف «که» به معنی "تا" و یا "به طوری که" می‌باشد و در فرانسه می‌توان آن را به "que" تبدیل کرد.

ذکر این نکته ضروری است که تمرین حاضر، با هدف رشد و پرورش مهارت ترجمه صورت نمی‌گیرد، بلکه غرض، هدایت زبان‌آموز در درک کاربردها و نقش‌های متنوع «که» در زبان فارسی یعنی زبان مادری وی می‌باشد. نمونه‌های جالب دیگری به وفور در متون روزنامه‌ای، داستانها و اشعار و نیز در بطن گفتگوهای روزمره و حتی ضرب‌المثلها به چشم می‌خورد و خود زبان‌آموزان بدانها اشاره می‌کنند. گاهی حرف ربط «که» ی فارسی، حین برگردان به فرانسه کاملاً حذف می‌شود و به حرف ربط فرانسه تبدیل نمی‌گردد. این امر به ویژه در ضرب‌المثلها و اصطلاحات مشاهده می‌شود:

«از دل برود هر آن که از دیده برفت.»

(*Loin des yeux, loin du cœur.*)

تقریباً، تمامی نقشهای حروف ربط یا ضمائر موصولی فرانسه که در فارسی «که» ترجمه می‌شود در جملات مرکب فارسی وجود دارد. تمرین جدید، بر اساس طبقه‌بندی نقش‌های مختلف «که» و ارائهٔ جملات فارسی ادامه می‌یابد و هر بار تلاش می‌شود رابطهٔ میان اسم ماقبل «که» و فعلی پس از «که» آشکار و بررسی شود. بدین ترتیب، برای مثال، در جملات زیر می‌توان دانشجویان را به سوی کشف معادل «که» هدایت کرد: «...نامه‌های بسیاری نیز از داخل و خارج

کشور به دست نگارنده رسید که در آنها موارد نادرست یا ناقص کتاب را متذکر شده یا ... نکته‌هایی را خاطر نشان کرده بودند که حقا می‌بایست به مطالب کتاب افزوده شود.^{۱۱} اولین حرف «که» به "Où" تبدیل می‌شود، زیرا "نامه‌ها" در ارتباط با فعل "متذکر شدن" دارای نقش "قید مکان" است. دومین حرف «که» بیان‌کننده نقش نایب فاعلی برای "افزوده شدن" است و به "qui" ترجمه می‌شود. مثالی دیگر:

این کلمه در قدیم معانی متعدّد داشته که بسیاری از آنها امروز نیز مستعمل و در فرهنگها مذکور است.^{۱۲} فاعل فعلی "مذکور بودن"، ترکیب "بسیاری از آنها" است (منظور از آن، "بسیاری از آن معانی" می‌باشد). در واقع «که» حاوی نقش "مضاف‌الیه" است و به همین دلیل به "dont" تبدیل خواهد شد. نمونه‌هایی نیز از نثر ادبی مطرح می‌شود: "نگویم که جوانی مکن لکن جوانی خویشتن دار باش. و از جوانان پزمرده مباش که جوان شاطر نیکو بود..."^{۱۳}

با توجه به نقشهای «که» در دو جمله مثال فوق، در معادل فرانسه، به ترتیب *de* و *car* (یا *parce que*) گزینش خواهد شد.

«اما آن کس که بر عقل جزوی اعتماد دارد و می‌خواهد به اتکاء آن حقیقت را طلب کند حالش به حال خفته‌ای می‌ماند که جامه خوابش از آب تر شده است اما او در خواب دنبال آب می‌گردد و از آن جا که هست در همان حالی خواب این سو و آن سو در پی هر سرابی می‌رود.»^{۱۴}

چنانچه ساده‌ترین برگردان را انجام دهیم، به ترتیب می‌توان از معادلهای فرانسه *d'où dont qui* (یا *Où*) استفاده کرد:

«پادشاه عزم شاهزادگان را بپسندید و ایشان را سفارش کرد و اندرز داد که در این سفر، در ممالک من، فلان جا چنین ترتیب دهید...»^{۱۵}

با توجه با ساختار امری جمله پیرو، در ترجمه جمله فوق، حرف اضافه *de* به کار می‌رود.

«آن جام بلورین که ز می خندان است

اشکی است که خون دل در او پنهان است»

(خیام)

«که ی مصراع اول حالت فاعلی دارد (*qui*) و «که ی مصراع دوم معرفت حالت ظرف مکانی است (*où*).»

«به زلف گوی که آیین دلبری بگذار

به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن»

(حافظ)

«که» در هر دو مصراع حاکی از یک امر است (*de*).

«وقتی که به این جمعیت می‌نگرم و می‌اندیشم که در هر یک از

آنها روحی وجود دارد که باید از پرتگاه سقوط نجات داده شود،

روحی که تنها ایمان می‌تواند آن را از نومیدی برهاند، احساس

می‌کنم که دستخوش احساساتی جدی و شکوهمند شده‌ام...»^{۱۶}

پس از بررسی نقشهای متعدد حرف «که» در مثال فوق، به ترتیب معادلهای *que, que, que, que, quand* به ذهن راه می‌یابد.

«بعضی از کتابها، به جای فهرستهای چندگانه به تنظیم "فهرست راهنما" می‌پردازند که در آن اسامی و اصطلاحات، موضوعات و مطالب مورد علاقه محققان و خوانندگان به ترتیب حروف الفبا می‌آید که بیشتر بر محور موضوع اصلی خود کتاب می‌باشد.»^{۱۷}

در معادل فرانسه جمله فوق، به ترتیب *ou* و *qui* جایگزین حروف ربط می‌باشند. و در مثال زیر:

«این درست همان چیزی است که به آن فکر می‌کردم.» می‌توان از معادل *à quoi* استفاده کرد.

در انتهای هفته پانزدهم و طی هفته‌های پایانی نیمسال، یعنی پس از آن که دانشجویان کارکردهای عمده "که" در جملات فارسی را با دید دستوری و نوین نگریستند و این امکان فراهم آمد تا میان ساختارهای فارسی ذهن آنان و ساختارهای فرانسه مقایسه و تطابق صورت گیرد، سرعت درک و ساختن جملات فرانسه فزونی یافت و صرف نظر از اشتباهاتی که به عناصر دیگر جمله (صفت، قید، فعل...) مرتبط بود، تشخیص و استعمال ضمائر موصولی و حروف ربط معادل با دقت و سهولت بیشتری امکان پذیر شد.

قبل از به کارگیری روش "مقایسه" و بررسی جملات فارسی، جملاتی این چنین را در نوشته‌های دانشجویان می‌خواندیم:

1. *Le professeur nous demande que nous écrivions une lettre.*

2. *Il y a des gens qui veulent travailler et ne trouvent pas de travail.*

3. *Et maintenant c'est la fonction du chef que prépare une petite bibliothèque.*

4. *C'est l'homme que tu as parlé avec lui?*

در جمله اول و جملات دیگر، حضور ساختار فارسی در ترتیب واژه‌های جمله آشکارا حس می‌شود! جمله اول، انعکاس دقیق و تغییر نیافته این ساختار فارسی است: "استاد از ما می‌خواهد که نامه‌ای بنویسیم." فعل نوشتن نامه در جمله فارسی به صورت التزامی صرف شده است و حرف ربط "که" نیز، بر اساس تمایل قریب به اتفاق زبان‌آموزان ایرانی، به *que* تبدیل شده است. اما در این جمله مرکب، جمله پیرو بیانگر یک دستور یا توصیه است، لذا صورت صحیح فرانسه آن این‌گونه خواهد بود:

Le professeur nous demande d'écrire une lettre.

جمله دوم: "افرادی هستند که می‌خواهند کار کنند و کاری نمی‌یابند." در زبان فارسی، معمولاً میان جملات پیرو سوم و چهارم ... که به جمله پایه پیوسته‌اند، از "که" استفاده نمی‌شود، حال آنکه در ساختار زبان فرانسه، هر بار با افزون شدن یک جمله پیرو، یک ضمیر موصولی یا حرف ربط ارتباط جملات را عهده‌دار می‌شود:

Il y a des gens qui veulent travailler et qui ne trouvent pas de travail.

جمله سوم: "و اینک وظیفه رئیس است که کتابخانه‌ای کوچک مهیا کند." این جمله نیز عیناً، واژه به واژه، به فرانسه ترجمه شده است. حال آن که ترکیب خاص "برعهده کسی بودن" با اصطلاح ویژه‌ای بیان می‌شود که حروف اضافه خاصی را در پی دارد. نمی‌توان جمله ترجمه شده را درست دانست و بنابراین

باید چنین گفت:

Et maintenant, c'est au chef de préparer une petite bibliothèque.

جمله چهارم نیز انعکاس کامل بافت فارسی جمله است: "وی همان مردی است که با او صحبت کرده‌ای؟" کلمه "مرد"، در ارتباط با فعل "صحبت کردن"، دارای نقش مفعول با واسطه است. لذا از ترکیب حرف ربط *qui* و حرف اضافه مختص فعلی درون جمله بهره می‌جوییم:

C'est l'homme à qui tu as parlé?

گاهی حرف "که" در جملات فرانسه هنگام برگردان به فارسی حذف می‌شود:

J'ai dit que je n'avais pas vu ce livre.

"گفتم این کتاب را ندیده‌ام." (= گفتم که این کتاب را ندیده‌ام)

Elle m'a demandé de sortir.

"از من خواست بیرون بروم." (= از من خواست که بیرون بروم.)

پس از به کارگیری دقیق و مؤثر روش "مقایسه" و شناخت نقش‌های "که" در فارسی، شاهد اشتباهات کمتری در جملات فرانسه (نوشته شده توسط دانشجویان) خواهیم بود.

چه باید کرد؟

ضمن تأیید این مهم که ایجاد مهارت گفتار بر ایجاد مهارت نوشتار اولویت دارد و روش‌های سمعی و بصری در زمینه آموزش اکثر مباحث نحوی، ساختاری و آوایی زبان، کارآمدتر از روش‌های تک‌ساختی سنتی است، در خصوص مبحث "حروف ربط و ضمائر موصولی" معادل حرف ربط "که" ی

فارسی، پیشنهاد می‌شود، قبل از توضیح کاربرد این حروف در زبان فرانسه، به کاربردهای "که" در جملات فارسی و ایجاد سؤال در ذهن دانشجویان پردازیم. سپس، به مرور زمان و بنا به مورد، معادل فرانسه هر نقش از نقش‌های حرف "که" را معرفی کرده و مورد تمرین شفاهی و کتبی قرار دهیم و بدین ترتیب دانشجویان را در جهت کسب مهارت در ساختن جمله مرکب فرانسه یاری دهیم. برای شروع، تجزیه جملات مرکب فارسی به جملات ساده راهگشا خواهد بود. به منظور ارزیابی میزان مهارت زبان‌آموزان، لازم است گهگاه جملات مرکب فرانسه را به فارسی برگردانند و مدتی بعد، تعدادی جمله مرکب فارسی را به فرانسه ترجمه کنند. دانشجویانی که روش مقایسه دو جانبه را به کار برده‌اند، از تسلط بیشتری در ساخت جملات مرکب برخوردارند.

همچنین با توجه به فرصت اندکی که در خلال دو نیمسال اول و دوم وجود دارد و نیاز زبانی دانشجویان به شناخت حروف ربط جهت درک بهتر متونی که طی دروس مختلف در نیمسال سوم ارائه می‌شود، پیشنهاد می‌شود درس "گرامر یک" در برنامه درسی نیمسال دوم گنجانده شود تا بر استواری اطلاعات دستوری پایه زبان‌آموزان بیفزاید. هدفی که بی‌شک، ممارست و پشتکار زبان‌آموزان نیز آن را سهل‌الوصول خواهد ساخت.

پی نوشت:

- ۱- ختام پور، عبدالرسول: دستور زبان فارسی، انتشارات تهران، تبریز، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱-۱۲۶
- ۲- ویگوتسکی: اندیشه و زبان، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، نشر آفتاب، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۵۲
- ۳- همان
- ۴- فلاذ جیمز: زبان و مهارت‌های زبانی، ترجمه علی آخشینی، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، ص ۳۸۸
- ۵- آذری نجف‌آباد، الله‌وردی: روش‌های سمعی و بصری و یادگیری زبان‌ها، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶، ص ۱۱۴
- ۶- همان کتاب، ص ۱۱۹
- ۷- همان کتاب، ص ۱۲۱
- ۸- اچسون، جین: روانشناسی زبان، ترجمه دکتر عبدالخلیل حاجتی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۳۵۸-۳۵۹
- ۹- همان کتاب، ص ۳۶۲
- ۱۰- روانی پور، منیرو: گلپر، ماه و رنگین کمان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۱، ص ۸
- ۱۱- نجفی، ابوالحسن: غلط ننویسیم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰، ص هشت پیشگفتار
- ۱۲- همان کتاب، ص ۳۹۳

- ۱۳- یوسفی، غلامحسین: گزیده قابوس نامه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲،
ص ۶۷
- ۱۴- زرین کوب، عبدالحسین: سزنی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۱۵
- ۱۵- همایی، جلال‌الدین: تفسیر مثنوی مولوی، مؤسسه نشر هما، تهران، ۱۳۶۶،
ص ۲
- ۱۶- لاژرک ویست، پار: داستانهای دردانگیز، ترجمه غلامرضا سمیعی،
انتشارات شباویز، تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۱
- ۱۷- یاحقی، محمد جعفر و ناصح، محمد مهدی: راهنمای نگارش و ویرایش،
مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۱۱۶

منابع:

- آذری نجف آباد، الله وردی (گردآورنده): روشهای سمعی و بصری و یادگیری زبان‌ها، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶
- اچسون، جین: روانشناسی زبان، ترجمه دکتر عبدالخلیل حاجتی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴
- ختیم پور، عبدالرسول: دستور زبان فارسی، انتشارات تهران، تبریز، ۱۳۷۲
- روانی پور، منیر و گلپر، ماه و رنگین کمان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۱
- زرین کوب، عبدالحسین: سیرنی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴
- فروغی، محمد علی و دکتر غنی: رباعیات حکیم ختیم نیشابوری، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۳
- فلاذ، جیمز و دیگران: زبان و مهارت‌های زبانی، ترجمه علی آخشینی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹
- قزوینی، محمد و غنی، قاسم: دیوان حافظ، نشر آروین، تهران، ۱۳۷۳
- لاژرک ویست، پار: داستانهای دردانگیز، ترجمه غلامرضا سمعی، انتشارات شباویز، تهران، ۱۳۷۲
- نجفی، ابوالحسن: غلط نویسیم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰
- ویگوتسکی: اندیشه و زبان، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، نشر آفتاب، تهران، ۱۳۶۵

- همایی، جلال‌الدین: تفسیر مثنوی مولوی، جلد دوم، مؤسسه نشر هما، تهران، ۱۳۶۶
- یاحقی، محمد جمفر و ناصح، محمد مهدی: راهنمای نگارش و ویرایش، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸
- یوسفی، غلامحسین (گردآورنده): گزیده قابوس نامه عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی